

سرمقاله



فاطمه میر حسن پور واحدی (سونا)

sonamirhasanpur@gmail.com

بلوغ شاخه‌ای دیگر از فرهنگ ایرانی بودیم و ای بسا حرفه‌ای جدی‌ای در این زمینه برای جهانیان داشتیم. عبدالله طالب‌زاده «شایق» (زاده‌ی تفلیس) و جبار عسگرزاده «باغچه‌بان» (زاده‌ی ایروان) دو تن از کسانی بودند که در تعلیم و تربیت از جان مایه گذاشتند و موانع سختی را ازپیش رو برداشتند.

دولتی‌سازی تعلیم و تربیت اگرچه در عمومی‌تر شدن سواد از نظر کمی مؤثر بوده است لکن جلوی رشد چند جانبه و طبیعی فرهنگ را نیز گرفته است. بُعدی از جامعه رشد می‌کند و ابعاد دیگر فاقد رشد می‌شوند. رشد نامتوازن؛ جامعه‌ی نامتوازن می‌آفریند و جامعه‌ی نامتوازن؛ بحران‌های بحرانی است و بحران تا به سکون و آرامش بدل شود، چه مسیرهای پیش‌بینی نشده‌ای را که باید طی کند. الغرض تعلیم و تربیت به زبان مادری خواسته‌ی عده‌ی معدودی نیست. یک خواسته‌ی تاریخی است و از اولین روزهای مدرن‌سازی تعلیم و تربیت در صدر توجه نخبگان بوده است. در بخش ویژه‌ی این شماره به بررسی کم و کیف فعالیت چندتن از بنیانگذاران جدی تعلیم و تربیت و ادبیات کودک و نوجوان به زبان ترکی آذربایجانی پرداخته‌ایم.

تاریخ تعلیم و تربیت مدرن در ایران با زبان ترکی آذربایجانی آغاز می‌شود. نخبگانی که از پس بیداری ناشی از جنگ‌های ایران و روس در پی یافتن علل عقب‌ماندگی وطن، راهی عثمانی، اروپا و قفقاز شدند در بازگشت چاره‌ی کار را در نوین ساختن سیستم آموزشی دیدند و جالب اینکه شوق و اصرار بر ایجاد مدارس جدید در نخبگان آن عصر مثال زدنی و با انگیزه‌ی ایجاد مطبوعات جدید برابری می‌کند. مدارسی که در پیروی از میرزا حسن رشديه پدر آموزش نوین در ایران تأسیس شدند، در اصل تقلیدی از مدارس نوینی بودند که در دوره‌ی عثمانی بعد از آغاز تحولات نوسازی تحت عنوان «تنظیمات» به تقلید از مدارس اروپایی و تحت عنوان «رشدیه» ایجاد شده بودند. میرزا حسن نام خود را نیز از این مدارس اخذ کرد و آموزش نوین را در ایران با کتابهای «وطن دیلی» و «آنا دیلی» و.. به زبان ترکی آذربایجانی آغاز کرد. این روند طبیعی حرکت زبان بود و نخبگان آذربایجانی به درست بر ضرورت تحصیل به زبان مادری پی برده بودند و اگر نگاه بازدارنده‌ی حاکم مانع حرکت این نخبگان نمی‌شد بی‌شک امروز شاهد بالندگی و